

فصلنامه علمی _ پژوهشی پژوهشنامه نسخه شناسی متون نظم و نثر فارسی
سال اول، شماره دوم، زمستان ۱۳۹۵، ص ۹۴-۷۳

ماهیت شناسی راحت القلوب امیر خسرو دهلوی (بررسی تک نسخه راحت القلوب امیر خسرو دهلوی در کتابخانه کاخ گلستان)^۱

دکتر مریم زمانی^۲

استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور مرکز پاکدشت

دکتر بهناز پیامی^۳

استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور مرکز پاکدشت

چکیده

راحت القلوب عنوان کتابی است که به امیر خسرو دهلوی منسوب است و ظن در این انتساب آن است که امیر خسرو به پیروی از استادش نظام‌الدین اولیا راحت القلوبی نگاشته است. در میان سلسله‌های گوناگون صوفیه و خصوصاً چشتیه که امیر خسرو از پیروان بزرگان این سلسله است، رسم چنان بوده که مریدان اقوال و ملفوظات شیخ و بزرگان خود را در کتب و رسایل به رشته تحریر در می‌آوردند، به این طریق نام و یاد مراد و شیخ را در میان یاران زنده نگاه می‌داشتند. همچنین کتاب دیگری به امیر خسرو منسوب است افضل الفواید در اقوال نظام‌الدین اولیاست و بسیارند کتبی که در احوال بزرگان به دست شاگردان

تاریخ پذیرش: ۹۵/۹/۲۴

۱- تاریخ وصول: ۹۵/۶/۲۳

zamani_m@pnu.ac.ir -۲

behnazpayam@yahoo.com -۳

ضبط شده است. این مقاله به بررسی ماهیت راحت القلوب منسوب به امیر خسرو می‌پردازد و نگاهی دارد به نسخه‌های راحت القلوب موجود تا محتوای آن‌ها را با این نسخه خطی تطبیق دهد و صحت انتسابش را به امیر خسرو بسنجد. حاصل این پژوهش آنکه نسخه منسوب به امیر خسرو همان مطلع الانوار است که با تغییرات کاتب در مقدمه و مؤخره با این عنوان ثبت شده است.

واژه‌های کلیدی

امیر خسرو دهلوی، راحت القلوب، کتابخانه کاخ گلستان، نسخه خطی

مقدمه

در میان نسخه‌های معروف به نام راحت القلوب نسخه‌ای به چشم می‌خورد متعلق به امیر خسرو دهلوی که به صورت تک نسخه در کتابخانه کاخ گلستان (موزه سلطنتی) نگهداری می‌شود. در فهرست دیوان‌های خطی کتابخانه سلطنتی (اتابای) این گونه به آن اشاره شده است: «راحت القلوب امیر خسرو دهلوی، متن و حاشیه، متن خانبالغ حاشیه قطع الوان، نستعلیق یک دانگ کتابت خفی خوب قدیمی، کاتب عزیز محمد ابن خواجه عوض محمد به تاریخ ۱۰۲۴ هـ ق. در بلده هرات» و در ادامه آورده: این نسخه شامل مثنوی راحت القلوب و دو صفحه آخر کتاب به وسیله کاتب دیگری در صفر ۱۲۱۲ کتابت شده است. عناوین و سر حکایات به آب زرد لاجورد کتابت شده و البته دیگر ویژگی‌های کتاب آرایشی این نسخه نفیس را توضیح داده که منقش به مهر ناصرالدین شاه است اما آنچه توجه خواننده را جلب می‌کند نکته‌ای است که در آغاز متن آمده:

بسم الله الرحمن الرحيم	خطبه قدس است به ملک قدیم
چرخ که خورشید جنابش نوشت	مطلع انوار خطابش نوشت

مقدمه دقیقاً متن مطلع الانوار امیر خسروست و البته در شعر مستقیماً به نام کتاب اشاره شده است اما کاتب در خاتمه متنی را با این محتوا به زبان عربی نوشته: «قد وقع الفراق عن تحریر هذه النسخه الشريفه الميمونه المباركه المسمى براحت القلوب هي من معقولات البدايعه افصح المتقدمين و المتأخرين سالک المسالك الشريعه و الطريقه و كاشف الاسرار الحقيقه حلال اللفظي و المعنوي امير خسرو دهلوی قدس سره في التاريخ سلخ شهر ذی قعده سنه الف و اربع و عشرين في بلده الهرات صانه الله تعالى عن الافات و البليات راقمه عزيز محمد بن خواجه عوض محمد غفرالله تعالى ذنوبهما و ستر عيوبهما اللهم اغفر للمؤمنين و المؤمنات برحمتك يا ارحم الراحمين تمت بلخير سنه ۱۰۲۴» از طرفی امیر خسرو شاگرد نظام‌الدین اولیا است و به او ارادت تام دارد که وی نیز سخنان فریدالدین گنج شکر را در جوانی به رشته تحریر کشیده پس بس عجب نیست که خسرو نیز چنین کند و راحت‌القلوبی در ثبت سخنان استادش بنگارد. البته چنان که معلوم است سخنان استادش نظام‌الدین اولیا را در افضل‌الفواید ثبت کرده و نسخه‌هایی از آن در کتابخانه‌های گجرات موجود است آن هم به نثر. پس در این موضوع با دو سؤال روبرو می‌شویم اول آن که نام نسخه چیست؟ دوم اینکه آیا امیرخسرو کتابی با عنوان راحت‌القلوب دارد؟

برای رسیدن به پاسخ ابتدا باید راحت‌القلوب‌های موجود در کتابخانه‌ها را معرفی کرد و سپس محتوای هریک را بررسی و مقایسه کرد. آنگاه نگاهی می‌اندازیم به مطلع‌الانوار امیرخسرو که در مقدمه با نسخه راحت‌القلوب کاخ گلستان اشتراکاتی دارد.

مروری بر نسخه‌های فارسی با عنوان راحت‌القلوب در کتابخانه‌های داخلی و خارجی اولین راحت‌القلوب درس گفتارهایی از شیخ فریدالدین شکر گنج از پیران سلسله چشتیه در هندوستان است که خلیفه دیگرش به نام نظام‌الدین اولیای بدایونی (۷۲۵-۶۳۴هـ.ق.) آن را ثبت و ضبط نموده است. بنا به گفته نظام اولیا در همان مجلس که کلاه و ولایت هندوستان یافت، نیت نگارش ملفوظات را در سر پروراند. بابا فرید از روی فراست

دریافت و آن را تأیید کرد. نگارنده هر گاه امکان حضور در مجلس پیرش را یافته است، تمام و کمال تقریرات وی را نوشته و در بعضی مواقع حتی دست‌نوشته‌هایش را به شیخ نشان می‌داده و او تأیید می‌کرده‌است. این اثر البته بدون ذکر نام مجلس و یا فصل‌بندی خاصی جمع‌آوری شده است. آغاز آن به تاریخ رجب ۶۵۵ هـ.ق. است تا دوم ربیع‌الاول ۶۵۶ هـ.ق. که بنا به تصریح نظام اولیا شیخ پس از آن چند وقتی بیشتر زنده نماند. آغاز هر بخشی با این جمله که سخن در ذکر می‌رفت یا در خرقة و در حرمت ماه حرام و... شروع می‌شود و پایان آن‌ها به جز یک مجلس به این عبارت می‌رسد که «شیخ در این فواید بود که بانگ نماز برآمد و شیخ به نماز مشغول شد و خلق و دعاگوی بازگشت» چراکه این مجالس بنا به سنت مشایخ چشتیه میان دو نماز ظهر و عصر بر پا می‌شد. در انتهای اثر نیز کیفیت مرگ پیرش را که از زبان مریدان دیگر شنیده بود، بیان کرده است (فضلی زیدری، ۱۳۹۱: ۳۴۳) نمونه‌ای از متن راحت القلوب:

«روز چهارشنبه دهم ماه رجب - رجب قدره - سنه خمس و خمسين و ستمائه دعاگوی مسلمانان که یکی از بندگان درگاه سلطان الطریقه فی الارضین است نظام احمد بداونی که جامع این مجموعه معانی است شرف سعادت قدم‌بوس سید العابدین حاصل کرده، همان لحظه کلاه دین و دنیا که بر فرق داشت به دست مبارک خود فرود آورد و بر سر دعاگوی نهاد و خرقة خاص و نعلین چوبین عطا شد الحمدالله علی ذلک و این نیز فرمودند که ما نیز می‌خواستیم ولایت هندوستان به دیگری بدهیم اما شما در راه بودید که در سر ما ندا کردند که بدان نظام بداونی می‌رسد این ولایت اوست بدو دهی. آنگاه دعاگوی خواست که اشتیاق پای بوس از حد غالب بود به خدمت عرضه داشت دارد چنان دهشت حضور شیخ در دعاگوی اثر کرد که نتوانستم عرض دارم. چون ضمیر روشن بود آگاهی داشت؛ شیخ الاسلام بر فور بر زبان مبارک راند که آری اشتیاق شما از این بیشتر است که در خاطر داری و این سخن فرمود لکُلِّ داخلِ دهسه بعد از آن

دعاگوی چون این بشنید در خاطر گذرانید بعد از این هرچه از زبان شیخ الاسلام بشنوم در قلم آرم. هنوز این در دل دعا گوی نگذشته بود که فرمودند: زهی سعادت آن مرید هر چه از زبان پیر خود بشنود هوش و گوش بدان متعلق بود آن را بنویسد»
نسخه‌ها و محل نگهداری:

۱- راحت‌القلوب فریدالدین مسعود معروف به گنج شکر (متوفی ۶۶۵ هـ.ق./۱۲۶۶ م) زبان: فارسی، تاریخ کتابت ۱۰۸۰ هـ.ق. اقوال منسوب خواجه فریدالدین مسعود گنج شکر (متوفی ۷۲۵ هـ.ق./۱۳۲۵ م) که خواجه نظام‌الدین اولیاء آن را گردآوری کرده است. آغاز: بعد الحمد... این گوهر گنج الهام ربّانی و این زواهر فضل علوم سبحانی که از زبان درر بار و گوهرنثار سلطان المشایخ...، خط نستعلیق، شماره میکروفیلم: ۵/۶۶ شماره کتابخانه: ۱۴۷۵/۴ (کتابخانه درگاه حضرت پیر محمد شاه)

نسخه‌های دیگری از راحت‌القلوب در کتابخانه‌ها هندوستان نگهداری می‌شود با این مشخصات:

۲- راحت‌القلوب نظام‌الدین اولیاء (گردآورنده) به خط نستعلیق و شکسته نستعلیق و نسخ با آغاز «این جواهر گنج الهام ربّانی و این زواهر فضل علوم سبحانی...». در کتابخانه درگاه عالیہ چشتیه (احمدآباد - هند) شماره میکروفیلم: ۱۰۳

۳- نسخه دیگری در کتابخانه انجمن ترقی اردو در دهلی با مشخصات ذیل:
ملفوظات شیخ فریدالدین مسعود گنج شکر معروف به بابا فرید (متوفی ۶۶۴ یا ۶۶۵ هـ.ق./۱۶۶۵ م) است. مجموعه مجالسی است که نخستین آن‌ها از ۱۵ رجب ۶۵۵ هـ.ق./۱۲۵۷ م آغاز و در ۶۵۶ هـ.ق./۱۲۵۸ م به پایان می‌رسد و این مجموعه پس از مرگ استاد در ۶۶۴ یا ۶۶۵ هـ.ق. انجام پذیرفته است. موضوع اثر، درباره عرفان، آداب سلوک، شرایط مرید و خرقه پوشی است. انجام افتاده است. با آغاز «الحمد لله رب العالمین ... بدان که اسعدک الله تعالی فی الدارین بنده حقیر و ...». تعداد برگ‌های این نسخه ۲۱ برگ است

و جالب آن که کاتب آن مبارک بن فیض الله است که خود صاحب اثری به نام راحت القلوب است که در ادامه به آن اشاره خواهد شد. شماره میکروفیلم: ۹/۱ شماره کتابخانه: ۱/۳/الف/۹ انجمن ترقی اردو (دهلی - هند)

۴- در فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی نسخه‌ای از مجموعه گنج بخش معرفی شده با این مشخصات: راحت القلوب = ملفوظات گنج شکر [نسخه خطی] / گردآوری: نظام‌الدین اولیاء محمد دهلوی (۷۲۵ ه.ق).

آغاز، آغاز، انجام، انجامه: ابسمله. حمدله... این است جواهر گنج الهام ربانی و آیین زواهر فضل علوم سبحانی از زبان دربار و لسان گوهر نثار... درین مجموعه که راحت القلوب نام اوست... در خاتمه آمده: ۲- شیخ الاسلام به نماز مشغول شدند خلق دعاگوی بازگشت الحمدلله علی ذلک. نوع خط: نستعلیق. تزئینات متن: عناوین شنگرف. متن رکابه نویسی و تزئینات جلد: تیماج مصنوعی قهوه‌ای.

همراه با تصحیحات اندکی در حاشیه. در اول نسخه یادداشتی است که کتاب و مؤلف را معرفی می‌کند و تملک میر عبادالله ولد میر لعل محمد. به نسخه کمی رطوبت رسیده است (این اثر چاپ سنگی شده است)

(فهرستواره، ۷/ ۳۷۷؛ مشترک پاکستان: ۳/ ۱۴۷۱-۱۴۶۹).

همچنین همان‌جا به نسخه دیگری از ملفوظات بابا فریدالدین اشاره می‌شود با خط محرم‌علی بن محمدعلی اصفهانی بی تاریخ که خوشبختانه با دقت نظر خانم دکتر بهاره فضلی زیدری این نسخه‌ها مقایسه و به‌صورت کتابی با همین عنوان در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته است و حاصل آن که در هیچ کدام از این نسخه‌ها از امیر خسرو و راحت القلوبش اثری نیست.

در سیاهه کتب خطی تازه خریداری شده کتابخانه مجلس هم به نسخه راحت القلوب دیگری اشاره می‌شود که مبارک بن فیض الله سنامی نویسنده آن است در بیست باب به

زبان فارسی که به شرح نسخه‌های دیگر این راحت‌القلوب می‌پردازیم:

۱- در فهرست نسخه‌های کتابخانه ملی نسخه‌هایی (پنج نسخه) با عنوان راحت‌القلوب مبارک فیض‌الله سنّامی (قرن ۹ هـ.ق.) با دو تاریخ ۱۲۴۴ و ۱۲۵۷ نگهداری می‌شود با این مقدمه: طریق شکافته شود و ملائکه آسمان دویم بر زمین آیند... و انجام: ... پشیمان شد ز سر گردیدن خویش به خط میرزا الحسینی، با ثبت این انجامه که «تمه الكتاب بعون الله العبد الخاطی میرزا الحسینی یوم چهارشنبه شهر شعبان المعظم سنه ۱۲۴۴» در معرفی نسخه آمده است که رساله‌ای است اخلاقی درباره اعتقادات و اعمال مسلمانان بر مبنای احادیث و تفاسیر قرآن کریم همراه با حکایات شامل بیست باب که نسخه حاضر از نیمه باب دوم به بعد را دارد. فهرست ابواب آن بدین تفصیل است: باب سوم صفت دوزخ و عذاب ایشان، باب چهارم در انواع نعمت‌های بهشت، باب پنجم در حق پدر و مادر و همسایه و خویشان، باب ششم در منع از خمر خوردن، باب هفتم در ربا دادن و ربا خوردن، باب هشتم در فضیلت زکات و صدقه، باب نهم در فضیلت نماز کردن، باب دهم در فضیلت قرآن خواندن، باب یازدهم در فضیلت روزه، باب دوازدهم در حق شوهر و زن به یکدیگر، باب سیزدهم در منع دروغ، باب چهاردهم در منع غیبت و سخن چینی، باب پانزدهم در منع از ربا و حسد و ترک آن‌ها، باب شانزدهم در منع از کبر و عجب و غیر آن، باب هفدهم در خشم فرو خوردن، باب هجدهم در موعظه و نصیحت، باب نوزدهم در قصه ابوشمحه، باب بیستم در موعظه به نظم از گفتار شیخ عطار. با تطبیق این نسخه با نسخه شماره ۷۳۴۵ ملی اندکی اختلاف در عبارات دیده می‌شود. نام‌های دیگر این نسخه منهاج‌الابرار و تنبیه‌الغافلین ذکر شده است (فهرست نسخه‌های کتابخانه ملی).

۲- همچنین نسخه دیگری از آن در کتابخانه علامه طباطبایی شیراز با مشخصات ذیل نگهداری می‌شود:

نویسنده فیض‌الله سنّامی، مشتمل بر بیست باب در اخلاق. با خط نستعلیق عنوان‌ها

نوشته شده با شنگرف، صفحات مجدول، اول و آخر نسخه جنگی از نظم و نثر، در قرن ۱۱ و آغاز با «الحمد لله رب العالمین و طوبی للفائزین»

۳- در فهرست نسخه‌های گنج بخش به این نسخه با عنوان اصلی راحت القلوب و نام فرعی راحت الواعظین اشاره شده است. این نسخه متعلق به مبارک بن فیض الله سنّامی است و نسخه کامل ۴۴ برگی است که کاتب آن مجهول است و در پاکستان نگهداری می‌شود (شماره ۲ در PAK-001-0075) در همان‌جا نسخه دیگری با همین عنوان راحت القلوب در ۱۴۳ برگ وجود دارد که محل نگهداری پاکستان ذکر شده و تاریخ کتابت آن ۲ خرداد ۱۰۵۶ هجری شمسی است به کتابت شخصی ناشناس و بی نام (شماره ۲ در PAK-001-0669). همچنین از نسخه دیگری یاد کرده با همین نام: راحت القلوب، تعداد صفحات ۸۱ برگ محل نگهداری پاکستان گنج بخش، تاریخ کتابت آن ۱۲۳۵ هجری شمسی، کاتب: عبدالکریم بن سدار بن ذکراالله به خط شکسته نستعلیق با خطوطی کوتاه که بین بعضی سطور کشیده از شنگرف (شماره PAK-001-1124).

خوشبختانه نگارنده این سطور به نسخه‌های یاد شده کتابخانه گنج بخش دسترسی داشته و محتوای هر یک را بررسی کرده است. نسخه آخر شامل ۱۶۰ برگ به نثر روان فارسی است و چنین آغاز شده: بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین و العاقبه للمتقین و صلوه و السلام علی رسوله محمد و آله اجمعین می‌گوید بنده صفت مبارک فیض الله ثنایی که هیچ کاری مهم‌تر از ایمان نیست زیرا که حیات ابدی و دولت سرمدی متعلق به آن است ... و در خاتمه به فصلی رسیده از ادعیه در اسناد خاصیت گلوبند حضرت رسول (ص) و با ذکر آن دعا متن را به پایان رسانده: بسم الله الرحمن الرحیم اللهم انصرنا علی کل کبیر و صغیر و ذکر و انثی و حرّ و عبد و شاهد و غایب ... در پایان کتاب و خارج از موضوع کاتب شعری را درج نموده با عنوان غزل شاه شرق قلندر.

در آغاز نسخه ۴۴ برگی گنج بخش همان مطالب ثبت شده اما در خاتمه آن آمده: «بر کوه

طور روشنایی دید شکرانه آن چهار رکعت نماز گزارد و بر امت محمد فریضه گشت و پروردگار از وی قبول کرد هر شب». این نسخه کامل نیست و بخشی از کتاب افتاده است و خط این نسخه نستعلیق زیبایی است.

نسخه ۱۴۳ برگگی کتابخانه گنج بخش از آغاز بخشی افتاده و متن از داستان ابراهیم ادهم شروع می‌شود و در خاتمه چنین است: «و آن دو کرم تا دیری میان هم جنگ کنند پس یکی دیگری را بخورد و او هم از گرسنگی بمیرد پس ای بنده آخر عمر تو حال چنین خواهد شد متکبری از کجا باشد» و با شنگرف نوشته: «تمت. تمام شد حسن نظام شد به تاریخ بیستم هجری ربیع‌الاول که ۱۰۸۸ روز پنج شنبه آخر رسید.» در آغاز متن خط زیبا و خوانایی دارد اما در میانه از خوانایی متن کاسته می‌شود. چنان که اشاره شد نسخه مذکور به نثر است و محتوای تعلیمی دارد و بین آن و نسخه مورد نظر امیر خسرو که به نظم است، تفاوت بسیار است.

معرفی مطلع الانوار و مقایسه با نسخه راحت‌القلوب کتابخانه کاخ گلستان:

این منظومه در سال ۶۹۸ هـ.ق؛ و به تقلید مخزن‌الاسرار نظامی سروده شده. در این اثر امیر خسرو سعی کرده با بیان حکایت و مثل به تبیین آن دسته از امور اخلاقی بپردازد که بر پایه‌های دین استوارند. مطلع الانوار در بیست باب و با تقدیس خداوند و مناجات و نعت پیامبر و بزرگداشت نظام‌الدین عارف، هم‌دوره و مراد امیر خسرو و مدح سلطان علاء‌الدین آغاز شده است. پس از بیان سبب نظم کتاب به بیان فضل تعبد و توجه آدمی به خداوند پرداخته است. در مقاله اول به علو درجت آدمی، ترک دنیا و بی‌توجهی به آن به سبب بالاتر بودن جایگاه آدمی و پست بودن مادیات و به ترک ظاهر پرستی و حفظ ارزش خود سفارش کرده چرا که آدمی برای انجام امور مهمی خلق شده است:

آدمی است از پی کاری بزرگ گر نکند اینت حماری بزرگ

(امیرخسرو، ۱۹۷۵: ۸۹)

شاعر در مقاله بعد به برتری علم از ثروت اشاره می‌کند و از عالمان می‌خواهد که برای خواسته به درگاه جاهلان نروند و از صاحبان منصب می‌خواهد به کسب علم توجه کنند و از فخر به آبا و اجداد دست بکشند:

ای که به کسوت شده‌ای صدر جوی گر ز تو پرسند چه گویی بگویی
منصب بی‌مایه نه بر خور بود گر همه فرزند پیمبر بود
(امیرخسرو، ۱۹۷۵: ۱۰۰)

البته منظور وی از علم، علوم دینی است و در این باره پیرو اندیشه غزالی است و از طرفی علم تنها را بی‌ثمر می‌داند و برای علم با عمل اعتبار قائل است:

علم چنان خوان که پس از زندگی خواب تو باشد شرف زندگی
علم که راهش به سلامت بود بدرقه راه قیامت بود
(امیرخسرو، ۱۹۷۵: ۱۰۳)

پس از این به ارزش کلام پرداخته و آن را کلید گنج خرد می‌داند:

گر به خرد گنج نهان داده‌اند لیک کلیدش به زبان داده‌اند
(امیرخسرو، ۱۹۷۵: ۱۱۲)

پس کم و گزیده و نرم گفتن را در نظر خواننده می‌آورد که تفکری عقلی است هر چند متون دینی نیز به آن اشاره نموده که «المرءُ مَخْبُوءٌ تَحْتَ لِسَانِهِ»:

آن که حدیثش به تمییز نیست مرده دلی در تن او نیز نیست
(امیرخسرو، ۱۹۷۵: ۱۱۴)

آنچه در این منظومه توجه محقق را جلب کرده، اختصاص بابی به اساس مسلمانی و ذکر بعضی از اصول و فروع دین است؛ ذکر توحید و اهمیت آن در ایمان، نماز و ارکان آن، روزه، زکات، حج و ذکر شرایط هر یک:

پنج اساس است که ایمانی است هر یک از آن حصن مسلمانی است

هر که در آن‌ها نه عمارت نهاد مایه خود جمله به غارت نهاد
(امیر خسرو، ۱۹۷۵: ۱۲۶)

وی پس از آن بابی به تقوی اختصاص داده است و تهذیب نفس که همان جهاد اکبر است و مبارزه با نفس و پاک کردن نیت. هر چند به نظر می‌رسد که امیر خسرو دلایل دینی را محکم‌تر از عقل می‌شناسد و بیشتر به حدیث معروف «الاعمالُ بالنیات» (طوسی، ۱۳۸۸: ۶۱۸) پیامبر (ص) توجه داشته است:

هندوی بنا که کند قبله راست راست چو در قبله نباشد خطاست
(امیر خسرو، ۱۹۷۵: ۱۴۷)

ذکر اولیای خدا و شناخت پیر حقیقی و دروغی و تحمل بلا و ترک دنیا و فقر از سفارش‌های ذکر شده در باب ششم منظومه است:

سر ته دامن کسی در میر کو کندت غرقه ز دامن تر
(امیر خسرو، ۱۹۷۵: ۱۵۵)

اما در باب دیگری به صبر و قناعت و کسب روزی حلال و ترک تلاش برای افزون خواهی و حرص سخن گفته که بیشتر مباحثی دینی و عرفانی هستند:

آن که به تارک کله ترک دوخت هستیش از نیست بیاید فروخت
(امیر خسرو، ۱۹۷۵: ۱۶۲)

وی نیز چون سایر نویسندگان و شاعران ادب تعلیمی بابی را به عشق اختصاص داده است و توجه به عشق آسمانی را توصیه نموده است و تحمل بلای معشوق را طبیعت عاشقی دانسته است:

کس ز رخ خوب وفایی ندید کیست که آن دید و جفایی ندید
هر بت زیبا که جمالش بود فتنه نیاز زاده خالش بود
(امیر خسرو، ۱۹۷۵: ۱۸۲)

در بابی دیگر به بیان تعارض عقل و عشق و روا داشتن نظر از دیگر مطالب این باب

است:

آن که ز حق پاکی چشمش عطاست منع ز رخسار بتانش خطاست

(امیر خسرو، ۱۹۷۵: ۱۸۳)

به انتخاب دوست و یاری که همراه و قرین آدمی باشد هم گوشه چشمی داشته است. صفات یک دوست خوب را وفاداری، بی طمعی و یک رنگی، عاقل بودن و خوش خلقی دانسته و مخاطب را به شدت از هم‌نشینی دوست سفله و نادان بر حذر داشته و صفات انسانیت و فداکاری و همراهی در غم و شادی را نیز به ویژگی‌های یک دوست خوب افزوده است:

چون نتوان دامن صحبت گذاشت بایدت اندیشه به صحبت گماشت

دوستی‌ای باید از آن گونه جست کان ابد الدهر بماند درست

(امیر خسرو، ۱۹۷۵: ۱۹۰)

در بابی دیگر اصرار به حسن سلوک با خویشان و محبت به ایشان خصوصاً پدر و مادر و احسان به نزدیکان را وظیفه‌ی یک فرد می‌داند و در تربیت فرزندان بر آن است که هر کس با پدر و مادر خویش به نیکی رفتار کند در آینده همین رفتار را از فرزندانش می‌بیند و این شاید نوعی تربیت از راه رفتار درست شخص باشد:

تا تو نخستی دل آبای خویش پیش تو نامد بد ابنای خویش

گر ز تو چشم پدرت دید خار از پسر خویش همان پیش دار

(امیر خسرو، ۱۹۷۵: ۲۰۸)

وی توجهی هم به بخشش و چگونگی‌اش داشته، می‌گوید:

آن که دهد پُر به پُر و کم به کم ز اهل نفاق است نه ز اهل کرم

گر تویی از راه کرم زر فشان پُر به گدا کم به توانگر فشان

(امیر خسرو، ۱۹۷۵: ۲۱۶)

اختصاص بابی به ذکر منزلت شهیدان و اهمیت جهاد و غزا می‌تواند اشاره به فضیلت

شجاعت باشد اما تأکیده‌های دینی و وجود آیات و احادیث درباره آن و استفاده از اصطلاحاتی دینی چون غزا، شهید، جهاد در راه خدا و ورود به بهشت این باب را به یک مبحث دینی تبدیل کرده که در این منظومه بی‌سابقه نیست:

گناه غزا تیغ زنان غیور	جان که کنند از دل مردانه دور
نی ز پی دخل زیادت کنند	کز پی اعلائی شهادت کنند
لاجرم آن تیغ که بر سر خورند	شربتی از چشمه کوتر خورند

(امیر خسرو، ۱۹۷۵: ۲۲۹)

خیانت در امانت، کم فروشی، رباخواری و پول دوستی، حرص، تحمل ظلم و نکوهش خشم، تعصب و توصیه به فروتنی و تسلیم در برابر خداوند از جمله مباحثی است که در مطلع الانوار به چشم می‌خورد.

در باب اندرز پادشاهان همچون اسلاف خویش سعدی، نظامی و سنایی ایشان را به رعایت رعیت، عدل و ترس از خداوند فرا خوانده:

آن که کشد عهده یک تن به پوست	روز جزا پرسش آن تن بر اوست
آن که از او دست کسان صد هزار	شد به فلک، چون بود انجام کار؟

(امیر خسرو، ۱۹۷۵: ۲۴۲)

امیر خسرو سعی کرده که در این مجموعه آنچه را از نظر وی پسندیده و ناپسند از رفتار آدمی است، بیان کند؛ می‌توان مطلع الانوار را سرشار از ذکر رفتارهای خطا و صوابی دانست که ممکن است از آدمی سر بزنند و امیر خسرو سعی کرده تمامی آن‌ها را در نظر آورد؛ چه از نظر سنتی آنچه ناشایست است چون سرمه کشیدن زنان بیوه، راز نگفتن با زالان و در خانه نشانیدن زنان. توجه به مباحثی عرفانی چون ترک دنیا تحمل بلای عشق و رضا از جمله مباحثی است که در مطلع الانوار به چشم می‌خورد.

ویژگی‌های سبکی و بلاغی مطلع الانوار

هر چند خسرو در مقدمه غره الکمال فروتنانه خود را شاعری تمام ندانسته و بیان داشته که در پی شاعران بزرگی چون سنایی و سعدی و نظامی آمده اما ویژگی‌هایی در زبان و بلاغت وی وجود دارد که شعرش را بدیع و حتی در پاره‌ای موارد پیشرو سبکی نو می‌کند که از آن جمله می‌توان به وفور استفاده از اسلوب معادله و کاربرد کلمات و اصطلاحات عامیانه و بیان تجارب روزمره در شعرش اشاره کرد تا جایی که می‌توان وی را از پیشروان سبک هندی شمرد (رئیسی، ۱۳۸۸: ۴۸).

عناصر بلاغی

توجه به فنون و صنایع ادبی لفظی و معنایی از ویژگی‌های بارز شعر امیر خسروست. هر بیت از ابیات مثنوی اخلاقی وی مشحون است از آرایه‌هایی است که به نیکویی و به جای خود در کلام شاعر نشسته که کوتاه و نمونه‌وار به چند آرایه و صنعت لفظی و معنایی اشاره می‌شود:

موازنه:

پرده در پرده نشینان راز

(امیر خسرو، ۱۹۷۵: ۳)

رونق آن گل که بهاریش هست

(همان: ۳۲۳)

پرده‌کش جلوه‌گران نیاز

دولت آن یار که یاریش هست

ترصیع:

عرصه ملکش ز تصور برون

(همان: ۲)

معصیت آمرز هراسندگان

سگه حکمش ز تغییر برون

معرفت آموز شناسندگان

(همان: ۳)

اشتقاق:

ناظر دیدار پسندیده گشت وز پی دیدن همه تن دیده‌گشت

(همان: ۲۶)

احمد مرسل که نوشته قلم حمد به نام وی وحم هم

(همان: ۱۶)

جناس:

مهر ز نورش به فلک پا زده صبح ز مهرش دم بالا زده

(همان: ۱۸)

سنگ ورا کرده تراز و سجود زانکه به مقدار ترازو نبود

(همان: ۲۵)

اضافه تشبیهی: سکه حکم، تخم عمل، رشته جان، حرم آسمان، زنجیر درک.
اضافه استعاری: گردن حال، کف امید، دندان کواکب، خنده پروین، دست سیاست.
تشبیه: عضو چو دریاش، دست گشاده چو میغ، نطع زمین همچو فلک خاک او، شیر سپهر.

استعاره مکنیه: بار جستن معرفت، لگام کردن فلک، هیبتش ار بانگ زند بر سپهر، سببت کین را چو بتابد دلیر.

کنایه: عَلم برآوردن، بار جستن، مهر زدن بر دهن، پرده ز کار برداشتن، پرده کشی، پرده در، زبان نهادن در کسی، دراز بودن رشته. ناگفته نماند که کنایه یکی از صنایع معنوی است که امیر خسرو بسیار به آن توجه داشته است.

دو آرایه ادبی پر کاربرد در سبک هندی را می‌توان اسلوب معادله و ارسال‌المثل دانست که تکرار و استفاده زیاد از این دو صنعت سبب ایجاد تشخص و ویژگی سبکی در آثار

شاعران آن دوره است و در اشعار امیر خسرو نیز پرکاربرد است.

ارسال‌المثل:

خواجه که بانوش زبان‌آور است با سگ وحشی به جوال اندراست

(امیرخسرو، ۱۹۷۵: ۳۳۸)

خود وطن خویش بود سوختن بدرقه را رهزنی آموختن

(امیرخسرو، ۱۹۷۵: ۱۰۳)

اسلوب معادله:

خاتم و انگشت کهنیش بس آن که بزرگ است بزرگیش بس

(امیرخسرو، ۱۹۷۵: ۹۸)

اهل نگرده به عمامه سفیه خر نشود از جل دیبا فقیه

(امیرخسرو، ۱۹۷۵: ۹۹)

بی‌خردان را زنجیان چه ناز خر چه کند با شتران پا دراز

(امیرخسرو، ۱۹۷۵: ۲۰۴)

ویژگی‌های زبانی

با سابقه ذهنی و مشابهت ساختار متن و موسیقی آن با مخزن‌الاسرار نظامی خواه ناخواه خواننده به‌سوی پیش‌داوری در باره ویژگی‌های زبانی شعر امیر خسرو سوق داده می‌شود؛ هر چند نمی‌توان از بعضی شباهت‌ها در کلام نیز چشم‌پوشی کرد اما اگر با تأمل در ابیات وی نگریسته شود، دنیایی از ترکیبات وصفی، اضافی و کلمات مرکبی که کمتر در اشعار شاعران قبل از وی وجود دارد، پیش چشم باز می‌شود که برای نمونه به کاربردهای گوناگون هر یک از انواع کلمه در مطلع‌الانوار اشاره‌ای می‌شود:

ترکیب وصفی: زر فتنه خیز، سرمه جاوید، نعره تیز (استفاده از صفت تیز برای ترکیب بیانی)، چمن نو آیین، دل والا درون؛ مونس اندیشه، پریشان تن (ترکیب مغلوب)، امت

شوریده کار، کوتاهی چشم (استفاده از صفت کمی برای بیان کیفیت).
ترکیب اضافی: جوش رعونت، ارّه دل، بیضه کلمرغ، فرق زنان، سرفه قوال، شغب غوک،
خواب مجاور، لفظ مزور، تار پلاس، ناراستی کار، مزد دروغ، لعبت عید. کاربرد این
ترکیب‌ها بیشتر به صورت اضافه اختصاصی و بیانی است.

صفت‌های مرکب: فلک آوازه، نالنده، نورپاش، لگد خواره، زنده به مرده، زنده کن مرده،
شمع نه، بغلطیده، جادو فن، پُر مراد، خون ریز (صفت مفعولی) پرده کش (صفت مفعولی)،
کمان پای و

اسم مرکب: کن مکن، کفرگاه، روضه گاه، آب سوار، سرکه پیاز، کاو کاو و
فعل‌های مرکب، پیشوندی و عبارات فعلی: چشم بخوابان (چشم بپوشان)، وزن بردن از
(بی اعتبار کردن)، بلند برآمد (فراگیر شد)، خراش می‌کشد (رنج می‌برد)، خوش آمد طلبید،
از جای درشد، کارکرد (تأثیر گذارد).

حروف: چون نظر همتم از اوج بود (بر اوج بود)، به جان دگران می‌زاید (ز جان
دگران...)، مثل ندیدش فلک از خواب هم (در خواب هم) بوسه به منقار زد (بوسه ز منقار
زد) که در این مورد آخر به جای حرف اضافه «ز» از «به» استفاده کرده است. در این مصرع:
مرغ فلک بوسه به منقار زد.

ضمیر: شان همه گویند حلال است و پاک (ضمیر متصل فاعلی به جای منفصل)، دید
یکیشان ز بزرگان به خواب (ضمیر متصل مفعولی به جای ضمیر منفصل)، دار خدایا به
رضای خودش (ضمیر مفعولی همراه مضاف‌الیه).

فاصله بین مضاف (مضاف‌الیه با صفت: لاله کبودم شد و سبزه سپید ...)

بررسی محتوی راحت‌القلوب کتابخانه کاخ گلستان

بعد از معرفی نسخه که بر روی جلد آن نوشته شده راحت‌القلوب خسرو دهلوی صفحه

نخست با جدول‌های زیبا و تذهیب و نقاشی تزیین شده و اشعار در هر جدول نوشته شده اما شروع با همان بیت معروف خسرو در ابتدای مطلع است:

بسم اله الرحمن الرحيم	خطبه قدس است به ملک قدیم
رایحه حکمت و توقیع راز	نیست مگر این رقم دلنواز
شمسه نه منظر هر دو سرای	مطلع دیباچه وحی خدای

و به همین صورت شعر ادامه پیدا می‌کند و مقدمه مطلع پیش می‌رود اما بعد از ذکر مقدمه شعر از نعت سوم، خواهش از حضرت ختم رسل ادامه پیدا می‌کند:

ای سخت گنج خدا را کلید	گوهر آن گنج تو کردی پدید
------------------------	--------------------------

و پس از آن باز به ذکر مناجات اول تا سوم و ذکر معراج حضرت رسول به همان شکل که در مطلع الانوار آمده با اندکی اختلافات در کلام که به ضبط کاتب بر می‌گردد به مدح نظام‌الدین اولیا پرداخته است:

هر که ز دل دامن مردان گرفت	آن چه بقا زین ره پیران گرفت
ناصیه پیر نه تنهاست نور	بلکه جهانی است به نور حضور

پس از ذکر و مدح نظام‌الدین اولیا دعای چتر همایون و سلطان سلاطین محمد شاه آغاز می‌شود:

دوش که از همت والای خویش	باز گشادم به فلک پای خویش
و پس از آن بنای ثنای ثانی شاه را آورده:	
ای به زمان تو وکیل کرم	وزن ز زر برده شمار از درم

سپس علت سرودن این مجموعه را ذکر کرده:

فکرت من چون به فلک راند رخس	یافت ز گنجینه تقدیر بخش
-----------------------------	-------------------------

و به همین شیوه متن ادامه دارد در خلوت اول و دوم و... خواننده با تطبیق متن با مطلع الانوار یقین حاصل می‌کند که نسخه موجود مطلع الانوار است و همه ابواب آن با نسخه‌های

موجود مطلع که در کتابخانه ملی، تهران و مجلس نگهداری داری می‌شود، قابل انطباق است. در خاتمه هم بابی برای نصیحت فرزند دختر مستوره دارد و بیان خاتمت کتاب:

سال که او چرخ کهن گشت بود	از پس ششصد نود و هشت بود
چرخ که خورشید جنابش نوشت	مطلع انوار خطابش نوشت
هرچه دلم ریخت در این حقه در	قطره نم بود ز دریای پر

می‌بینیم که در خاتمه به عنوان اثر که مطلع الانوار است اشاره شده اما کاتب در پایان نسخه مطلع الانوار که کتابت نموده، متنی را افزوده است و آن را راحت‌القلوب نام‌گذاری کرده: «قد وقع الفراق عن تحریر هذه النسخة الشریفه المیمونه المبارکه المسمی براحه القلوب هی من معقولات البدایعه افصح المتقدمین و المتأخرین...»

در این نسخه با دو نام مواجهیم، یکی مطلع الانوار و دیگری راحت‌القلوب که یکی را شاعر در متن آورده و دیگری در ذکر تاریخ اتمام کتابت به وسیله کاتب ثبت شده. با کنکاشی در فهرست‌های ثبت شده و سیری در احوال و آثار امیر خسرو از جمله تذکره دولتشاه و مرآت الخیال و تاریخ ادبیات‌های دوره‌های معاصر از جمله تاریخ ادبیات صفا، مشخص می‌شود که در میان آثار وی نامی از راحت‌القلوب نیست و تنها تک نسخه‌ای از این اثر در طول تاریخ کتابت فارسی یافت می‌شود که در کتابخانه کاخ گلستان نگهداری می‌شود و به صورت میکروفیلم در اختیار پژوهشگران قرار می‌گیرد و البته همین نام با خطی خوش بر جلد کتاب ثبت شده است.

نتیجه

از آن جا که امیر خسرو در حفظ سنت ثبت سخنان استاد و برای ادای احترام به او و زنده نگه داشتن یادش در میان دوستان و پیروانش اقوال نظام‌الدین اولیا را در «افضل الفواید» ضبط کرده، راحت‌القلوبی به این منظور ننوشته است و نسخه موجود در کتابخانه کاخ

گلستان با هیچ یک از «راحت القلوب» های شناخته شده و موجود تطابقی ندارد. بر اساس بررسی های انجام شده پس از جستجو در دیگر آثار امیر خسرو و تطبیق آن با منظومه های شاعر، چنین حاصل شد که این نسخه کاملاً با مطلع الانوار انطباق دارد و از آنجا که نسخه دیگری با عنوان راحت القلوب منسوب به امیر خسرو در کتابخانه ها موجود نیست می توان گفت امیر خسرو اثری با عنوان راحت القلوب ندارد و نسخه موجود در کتابخانه کاخ گلستان مطلع الانوار است که به اشتباه در فهرست نسخه ها و بعضی تذکره ها راحت القلوب ضبط شده است.

منابع

- ۱- امیر خسرو دهلوی. (۱۹۷۵م.). **مطلع الانوار**. تصحیح طاهر احمد اوغلی محرم اوف. مسکو: دانش.
- ۲- اولیا، نظام الدین. **راحت القلوب** (ملفوظات بابا فریدالدین گنج شکر) به شماره های میکرو فیلم کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ۲/۱۱۳۳ و ۳۷۵۴.
- ۳- بروان، ادوارد. (۱۳۷۳). **تاریخ ادبیات ایران**. ترجمه علی اصغر حکمت. تهران: مروارید.
- ۴- تسییحی، محمد حسین. (۱۳۵۵). **فهرست نسخه های خطی فارسی کتابخانه گنج بخش**. بی جا: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
- ۵- جاوید، احمد. (۱۳۵۳). **زندگینامه امیر خسرو دهلوی**. مجلس امیر خسرو. کابل.
- ۶- حجتی، محمدباقر. (۱۳۵۴). **فهرست نسخه های خطی دانشگاه تهران**. تهران: دانشگاه تهران.
- ۷- ریسی، مصطفی. (۱۳۸۸). **جلوه هایی از سبک هندی در شعر امیر خسرو**. پیک نور. ویژه نامه بهار سال هفتم. ص.ص. ۴۷-۵۸.

- ۸- سمرقندی، دولت‌شاه. (۱۳۸۱). *تذکره الشعرا*. تصحیح ادوارد بروان. تهران: اساطیر.
- ۹- صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۷۸). *تاریخ ادبیات در ایران*. تهران: فردوس.
- ۱۰- صیدیه، سیمین. (۱۳۸۸). *سیاهه کتب خطی تازه خریداری شده کتابخانه مجلس*. نامه بهارستان. دوره ۲، سال اول. شماره ۴. ص.ص. ۱۱۷۰-۱۱۶۵.
- ۱۱- طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۸۸). *امالی*. ترجمه صادق حسن زاده. قم: اندیشه‌های هادی.
- ۱۲- فرشته، محمد قاسم بن غلامعلی. (۱۳۸۷). *تاریخ فرشته*. تصحیح محمد رضا نصیری. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- ۱۳- قویم، علی اکبر. (۱۳۴۲). *امیر خسرو دهلوی عارف جلیل و شاعر نامی پارسی گوی هند در سده هفتم هجری*. تهران: چاپخانه محمد علی فردین.
- ۱۴- لودی، شیرعلی خان. (۱۳۷۷). *تذکره مرات الخیال*. تصحیح حمید حسنی. تهران: روزنه.
- ۱۵- مرعشی محمود، صالحی، محمدعلی و متقی، حسین. (۱۳۵۴). *فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی*. قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
- ۱۶- مستوفی، حمدالله ابن ابی بکر. (۱۳۷۸). *نزه القلوب*. تصحیح محمد دبیرسیاقی. قزوین: طه.
- ۱۷- منزوی، احمد. (۱۳۷۷). *فهرست نسخه‌های خطی مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی*. تهران: مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی.
- ۱۸- _____ (۱۳۸۶). *فهرستواره کتاب‌های فارسی*. تهران: دایره المعارف بزرگ اسلامی.
- ۱۹- نظری، محمود. (۱۳۸۱). *فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی*.

تهران: انتشارات مجلس شورای اسلامی.

۲۰- نعمانی، شبلی. (۱۳۶۸). *شعر العجم*. ترجمه سید محمد تقی فخرداعی گیلانی. تهران: دنیای کتاب.

۲۱- نفیسی، سعید. (۱۳۶۲). *تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی*. تهران: فروغی.

۲۲- نوشاهی، عارف. (۱۳۷۷). *فهرست نسخه‌های خطی فارسی انجمن ترقی اردو*. دهلی نو.